

بنگاه‌های کوچک و متوسط با رشد سریع و سهم آنها در ایجاد اشتغال

(مطالعه صنایع تولیدی ایران در برنامه دوم توسعه)

دکتر محمد علی فیض‌پور^۱

هانیه پوش‌دوزباشی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۱۰/۲

تاریخ ارسال: ۱۳۸۷/۶/۳

چکیده

از دلایل متعددی که برای اهمیت دو حوزه بنگاه‌های کوچک و متوسط و کارآفرینی بیان می‌شود، شاید ایجاد اشتغال را بتوان به عنوان مهم‌ترین دلیل قلمداد نمود. با این همه، و با توجه به ادبیات موجود، واقعیت آن است که تنها تعداد معدودی از بنگاه‌های کوچک و متوسط توانایی ایجاد اشتغال و کارآفرینی را داشته و به عبارتی، تنها بخش اندکی کارآفرین تلقی شده یا ایجاد اشتغالی قابل توجه در دوره معینی را نشان می‌دهند. ایجاد اشتغال قابل توجه در دوره‌ای معین در ادبیات این حوزه با معیار رشد سریع سنجیده می‌شود و مطالعات موجود نشان می‌دهد که حدود ۱۰ درصد از بنگاه‌های اقتصادی می‌توانند رشدی سریع را تجربه نمایند. بر این اساس، شناسایی بنگاه‌های کوچک و متوسط صنایع تولیدی با رشد سریع، و نیز تعیین سهم آنها در ایجاد اشتغال در برنامه دوم توسعه هدف اصلی این پژوهش است. بنگاه‌های کوچک و متوسط به بنگاه‌هایی گفته می‌شود که دارای حداکثر ۵۰ نفر کارکن باشند. رشد سریع نیز با معیارهای سه‌گانه رشد مطلق، رشد نسبی و معیار برچ محاسبه می‌شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بیش از نیمی از اشتغال ایجادشده در این دوره توسط درصد اندکی از بنگاه‌های کوچک و متوسط با رشد سریع صورت گرفته و این نتایج با مدل‌های متفاوت اندازه‌گیری رشد سریع تغییر نمی‌یابد.

طبقه‌بندی JEL: H32; J23; J63; J68; L60

واژگان کلیدی: بنگاه‌های کوچک و متوسط، رشد سریع، ایجاد اشتغال، برنامه پنج ساله دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران.

۱. e-mail: m.a.feizpour@yazduni.ac.ir

۲. e-mail: h.poushdouz@gmail.com

۱. استادیار اقتصاد دانشگاه یزد

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه یزد

مقدمه

شاید بتوان برنامه سوم توسعه را آغازی برای توجه و بازشناسی بنگاه‌های کوچک و متوسط و نیز نقش آنها در ایجاد اشتغال در اقتصاد ایران تلقی نمود. از آن زمان تقریباً واژگان صنایع کوچک، صنایع کوچک و اشتغال‌زا، بنگاه‌های کوچک و متوسط، بنگاه‌های کوچک و متوسط اشتغال‌زا، فعالیت‌های کوچک و متوسط، واحدهای کوچک و متوسط، صنایع کوچک و اشتغال‌زا، بنگاه‌های کوچک صنعتی، حرف و مشاغل کوچک، بنگاه‌های کارآفرین و بنگاه‌های کوچک و زود بازده در ادبیات سیاست‌گذاران مصطلح گردید. افزون بر آن، در قریب به اتفاق موادی از قوانین و سایر اسناد مرتبط که از بنگاه‌های کوچک و متوسط و یا هر نام دیگری که تداعی بخش این واژه باشد، نام برده شده‌است، اشتغال و کارآفرینی از اصلی‌ترین هدف توجه به این بخش بوده‌است. اگرچه در متون تخصصی این حوزه، کارآفرینی^۱ و ایجاد شغل^۲ واژگانی متفاوت بوده و ایجاد اشتغال می‌تواند به عنوان یکی از نتایج کارآفرینی تلقی شود، اما در بسیاری از موارد منظور از کارآفرینی در قوانین و اسناد توسعه، ایجاد اشتغال است. از دیگر موارد مشهود در مجموعه قوانین و سیاست‌هایی مرتبط با بنگاه‌های کوچک و متوسط، اگرچه با نام‌های متفاوت، تأکید اساسی بر بخش صنعت و یا مواردی مرتبط با بخش صنعت نظیر صنایع تبدیلی، صنایع خانگی، احیای صنایع دولتی و واحدهای تولیدی است. با ترکیب این موارد نتیجه قابل توجه آنکه ایجاد اشتغال در بنگاه‌های کوچک و متوسط تولیدی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران اقتصادی است و به زعم آنان این مسیر و توجه به آن می‌تواند به عنوان گامی اساسی در راستای تحقق اهداف اشتغال‌زایی بخش صنعت تلقی شود.

توجه به نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط تولیدی، اگرچه در بسیاری از کشورها توانسته است در ایجاد اشتغال کمک نماید، اما مطالعات متعدد انجام‌شده در کشورهای جهان نشان‌دهنده دو مطلب اصلی دیگر نیز بوده‌است. نخست آنکه از تعداد زیادی از بنگاه‌های کوچک و متوسط که در فعالیت‌های اقتصادی وارد می‌شوند، تعداد زیادی نیز در سال‌های اولیه ورود از گردونه فعالیت‌های اقتصادی خارج می‌شوند. افزون بر این، در میان بنگاه‌هایی که توانایی ادامه حیات اقتصادی می‌یابند تعداد و در نتیجه درصد بسیار معدودی - که تقریباً در تمامی دنیا کمتر از ۱۰ درصد را تشکیل می‌دهند^۳ - رشدی سریع را در طول دوره حیات خویش تجربه می‌نمایند. این گروه، با آنکه در تعداد و در نتیجه درصد از کل بنگاه‌ها اندک‌اند، اما با ویژگی اساسی خود، یعنی رشدی سریع، توانسته و می‌توانند درصد بالایی از رشد اشتغال بخش معینی از اقتصاد مانند بخش صنعت را به خود اختصاص دهند. مطالعات بسیاری نشان

1. Entrepreneurship
2. Job Creation

۳. برای مطالعه بیشتر و آگاهی از این موضوع به منابع زیر مراجعه کنید:

Birch, D. (1979); Birch, D. (1981); Storey, D. (1998).

می‌دهد که در بسیاری از موارد، تنها ۴ درصد از بنگاه‌هایی با چنین ویژگی توانسته‌اند حدود ۷۰ درصد از اشتغال ایجاد شده در یک دوره را به خود اختصاص دهند.^۱ مطالعات دیگر در این زمینه نتایج نسبتاً مشابهی را نشان می‌دهد. به‌طور مثال، مطالعه استوری ۵۰ درصد از اشتغال ایجاد شده را به ۴ درصد از بنگاه‌ها نسبت می‌دهد.^۲ با چنین اهمیتی، شناخت ویژگی‌هایی که به واسطه آن یک بنگاه با رشد سریع از سایر بنگاه‌ها متمایز می‌شود و همچنین سهم این بنگاه‌ها از مجموعه اشتغال ایجاد شده در یک دوره معین حائز اهمیت است. اگرچه مطالعات بسیاری در این زمینه در جهان صورت گرفته، اما شاید بتوان مطالعه فیض‌پور (۱۳۸۶) را تنها مطالعه‌ای که نشان داده است بنگاه‌های با رشد سریع در ایران را می‌توان با تعداد محدودی از متغیرها از بنگاه‌های دیگر متمایز کرد، تلقی نمود. با این وجود، مطالعه‌ای که در آن به تبیین و تعیین سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط با رشد سریع از کل اشتغال ایجاد شده، به ویژه در بخش صنایع تولیدی پرداخته باشد، وجود نداشته و این پژوهش با هدف تعیین این نقش و به عنوان اولین گام در این زمینه قلمداد می‌شود.^۳ این مطالعه را در ۶ بخش تنظیم کرده‌ایم. پس از بخش اول را به مبانی نظری تأثیر اندازه بنگاه بر رشد آن اختصاص داده و در بخش دوم به مطالعه پیشینه این پژوهش پرداخته‌ایم. بحث در مورد ایجاد اشتغال و معرفی مدلی برای تعیین آن، همچنین معرفی رشد سریع و روش‌های اندازه‌گیری آن مباحث بخش سوم را تشکیل می‌دهد. در بخش چهارم تحلیلی از داده‌ها، روش جمع‌آوری و توصیف آنها را بیان کرده و در بخش پنجم به محاسبه رشد سریع در بنگاه‌های کوچک و متوسط و سهم آنها در ایجاد اشتغال ناخالص پرداخته‌ایم. در بخش ششم نیز جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و سیاست‌های پیشنهادی این مطالعه را ارائه کرده‌ایم.

۱. اندازه بنگاه و رشد آن

در میان پرسش‌های متعددی که در حوزه اقتصاد خرد مطرح بوده، اما نتایج آن بر متغیرهای اقتصادی در سطح کلان نیز تأثیرگذار است، پرسش در خصوص اندازه بهینه یک بنگاه اقتصادی است. بر این اساس، اندازه بنگاه، اگر چه با هر معیاری مانند میزان سرمایه یا تعداد شاغلان سنجیده شود، امری اتفاقی و قراردادی و یا به عبارتی معیاری تصادفی نبوده و در تعیین آن عوامل متعدد نقشی اساسی را ایفا می‌نماید. با این همه، شواهد موجود نشان می‌دهد که بنگاه‌های اقتصادی را می‌توان بر اساس

1. Bridge S.etal (1998)

2. Storey, D. (1998)

۳. ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که اگرچه تأکید این مطالعه بر برنامه دوم توسعه قرار گرفته است، اما بسیار شایسته است که این مطالعه در دوره زمانی برنامه سوم نیز ادامه یابد. تا زمان انجام این مطالعه و به‌رغم پی‌گیری‌های پژوهشگران، امکان دستیابی به داده‌های مورد نظر برنامه سوم به شکل مورد نیاز در این مطالعه در دسترس نبوده‌است. داده‌های برنامه دوم نیز پس از تلاش‌های بسیار زیاد و برای نخستین بار در اختیار پژوهشگران این مطالعه قرار گرفته‌است.

ساختار بازاری که در آن فعالیت نموده و در نتیجه، رفتار و عملکردی که تحت این ساختار از خود نشان می‌دهند و با توجه به اندازه، سوای آنکه با چه معیاری سنجیده شود، به طبقات بسیار کوچک، متوسط و بزرگ تقسیم نمود. بر این اساس، بنگاه‌هایی با اندازه‌های متفاوت، رفتارها و در نتیجه عملکردهای متفاوتی را از خود نشان می‌دهند.

رشد بنگاه از یک سوی، از معیارهای اساسی در سنجش عملکرد آن محسوب شده و مطالعات متعدد صورت گرفته در جهان نشان می‌دهد که در مقایسه با بنگاه‌هایی که در طبقه بزرگ قرار گرفته‌اند، بنگاه‌های جای گرفته در طبقات کوچک و متوسط (SMEs) از رشدی سریع‌تر برخوردار بوده و تنها تعداد اندکی از این بنگاه‌ها نقش مؤثری را در ایجاد شغل بر عهده داشته‌اند. این عملکرد، به تنهایی زمینه‌ساز مطالعات متعددی شده که در آن توجه به بنگاه‌های کوچک و متوسط را به صورت روز افزون افزایش داده و سعی شده‌است تا رشد سریع‌تر بنگاه‌های کوچک و متوسط با استفاده از تئوری‌های متفاوتی تبیین شود.^۱

اگر چه نظریه واحدی که بتواند رشد سریع‌تر بنگاه‌های کوچک و متوسط را توضیح دهد وجود نداشته و از این رو مطالعات موجود پیشنهاد می‌نماید که لازم است این موضوع با استفاده از نتایج پژوهش‌های عملی صورت گرفته در هر کشور و یا هر بخش تحلیل شد، اما در مجموع، می‌توان مدل‌های رشد نئوکلاسیک^۲، مدل‌های مبتنی بر صلاحدید و رضایت مدیران^۳، مدل‌های تکاملی و یادگیری^۴ را به عنوان مدل‌هایی که سعی نموده‌اند تأثیر اندازه بنگاه بر رشد آن را توضیح دهند، معرفی نمود.^۵ لازم به ذکر است که مدل‌های تصادفی^۶ رشد بنگاه را عاملی تصادفی و مستقل از اندازه آن می‌داند.^۷ این درحالی است که بر خلاف مدل‌های تصادفی، می‌توان نشان داد که رشد بنگاه در هر دوره، دوره، به اندازه آن در دوره قبل (یا ابتدای دوره مطالعه) بستگی دارد.

اگر فرض کنیم S_t اندازه بنگاه در ابتدای دوره t ، S_1 اندازه بنگاه در دوره بعد t_1 و g_1 نماینده رشد بنگاه در دوره t تا t_1 باشد، در این صورت می‌توان رابطه میان S_1 و S_t را به صورت زیر نوشت:

$$S_1 = S_0(1 + g_1) \Rightarrow \log(S_1) = \log(S_0) + \log(1 + g_1)$$

یا

-
1. Storey, D.J. (1994)
 2. The Neoclassical Model
 3. The Management Competence and Satisficing Models
 4. The Evolutionary and Learning Models
 5. Hart, (1962); Hart and Oulton, (1996) and Hart, (2000).
 6. Stochastic Models and the Law of Proportionate Effect
 7. Gibrat, R. 1931

$$x_t = x_{t-1} + e_t \quad x_t = \log(s_t), t = 1, 2, \dots, T, \quad e_t = \log(1 + g_t) \quad (1)$$

جایی که $e_t = \log(1 + g_t)$ جمله خطا با توزیع نرمال و واریانس s^2 خواهد بود.

چنانچه رشد بنگاه تابعی از اندازه اولیه آن نباشد، در این صورت $Cov(x_{t-1}, e_t) = 0$ بوده و علاوه بر آن بین رشد بنگاه در دوره‌های متفاوت نیز همبستگی وجود نداشته، بنابراین $Cov(e_t, e_{t-s}) = 0$ خواهد بود و در نتیجه، می‌توان رابطه زیر را در دوره اول نوشت:

$$Var(x_t) = Var(x_{t-1}) + Var(e_t) + 2Cov(x_{t-1}, e_t) \quad (2)$$

اما از آنجا که فرض شده‌است، رشد بنگاه از اندازه اولیه مستقل است، عبارت $2Cov(x_{t-1}, e_t)$ در رابطه ۲ مساوی با صفر خواهد بود. بنابراین:

$$\sigma_t^2 = \sigma_{t-1}^2 + s^2 \quad (3)$$

جایی که: $\sigma_t^2 = \text{var}(x_t)$ $s^2 = \text{var}(e_t)$

بر این اساس، برای دوره دوم خواهیم داشت:

$$\sigma_t^2 = \sigma_{t-1}^2 + s^2 = \sigma_{t-2}^2 + 2s^2$$

و در این صورت، می‌توان این رابطه را برای دوره t ام به صورت:

$$\sigma_t^2 = \sigma_{t-1}^2 + s^2 = \sigma_{t-2}^2 + ts^2 \quad (4)$$

نوشت. این بدان معناست که واریانس لگاریتم اندازه بنگاه در زمان t از حاصل ضرب واریانس نرخ رشد بنگاه در تعداد دوره‌های مورد مطالعه (به اضافه واریانس اندازه بنگاه در زمان صفر) قابل دستیابی و محاسبه خواهد بود. با گذشت زمان و افزایش دوره‌های مورد بررسی ($t \rightarrow \infty$)، خواهیم داشت:

$$\lim_{t \rightarrow \infty} \sigma_t^2 = \infty \quad (5)$$

این بدان معناست که واریانس اندازه بنگاه در طول زمان به صورت نامحدود افزایش خواهد یافت. از آنجا که e_t دارای توزیع نرمال با واریانس s^2 است، لگاریتم اندازه بنگاه (x_t) ، هنگامی که $t \rightarrow \infty$ نیز دارای توزیع نرمال خواهد بود. بنابراین، توزیع اندازه بنگاه با گذشت زمان به سمت توزیع نرمال لگاریتمی^۱ میل می‌کند. در حالت کلی و بر اساس Prais (1976)، می‌توان رابطه زیر را نوشت:

$$x_t = bx_{t-1} + e_t \Rightarrow \sigma_t^2 = b^2 \text{Var}(x_{t-1}) + \text{Var}(e_t) = \beta \sigma_{t-1}^2 + s^2 \quad (6)$$

با فرض $Cov(x_{t-1}, e_t) = Cov(e_t, e_{t-s}) = 0$ (و با فرض نرمال بودن e_t)، همچنین با قراردادن $\beta = b^2$ خواهیم داشت:

$$\sigma_t^2 = \beta \sigma_{t-1}^2 + s^2 \Rightarrow$$

$$\begin{aligned}\sigma_T^z &= \beta\sigma + s^z = \beta(\beta\sigma^z + s^z) + s^z = \beta^2\sigma^z + \beta s^z + s^z \\ \sigma_t^z &= \beta^t\sigma^z + s^z(1 + \beta + \beta^2 + \dots + \beta^{t-1}) \Rightarrow \\ \sigma_t^z &= \beta^t\sigma^z + s^z\left(\frac{1-\beta^t}{1-\beta}\right) \quad \text{for } 0 < \beta < 1\end{aligned} \quad (7)$$

هنگامی که $t \rightarrow \infty$ ، آنگاه $\beta^t \rightarrow 0$ و $0 < \beta < 1$ خواهد بود. بنابراین:

$$\lim_{t \rightarrow \infty} \sigma_t^z = \frac{s^z}{1-\beta} \quad \text{if } 0 < \beta < 1, 0 < b < 1 \quad \lim_{t \rightarrow \infty} \sigma_t^z = \infty \quad \text{if } \beta \geq 1, (b \geq 1) \quad (8)$$

بر رشد نسبی سریع‌تر بنگاه‌های کوچک نسبت به بنگاه‌های بزرگ دلالت دارد و در این صورت، رشد بنگاه نیز به اندازه بنگاه بستگی خواهد داشت. این موضوع را می‌توان از رابطه ۶ نیز استنباط کرد. با کسر X_{t-1} از طرفین، فاکتورگیری از X_{t-1} و با گرفتن دیفرانسیل خواهیم داشت:

$$x_t - x_{t-1} = (b-1)X_{t-1} + e_t \quad \frac{\partial(X_t - X_{t-1})}{\partial X_{t-1}} = b-1 < 0 \quad (9)$$

این رابطه نشان می‌دهد یک واحد افزایش در اندازه بنگاه باعث می‌شود تا رشد بنگاه در دوره بعد به اندازه $b-1$ کاهش یابد. این نتیجه بر خلاف فرض استقلال نرخ رشد بنگاه از اندازه اولیه آن است و از این رو بنگاه‌های کوچک و متوسط در مقایسه با بنگاه‌های بزرگ از رشدی سریع‌تر برخوردار بوده و در نتیجه، سهم بیشتری را در ایجاد اشتغال خواهند داشت. موضوعی که بر خلاف دیدگاه استقلال رشد بنگاه از اندازه آن و یا تصادفی بودن رشد بنگاه است و مطالعات متعدد انجام شده در کشورهای مختلف نیز آن را تأیید می‌نماید.

۲. بنگاه‌های کوچک و متوسط و سهم آنها در ایجاد اشتغال (مروری بر مطالعات انجام شده)

اگرچه مطالعات متعددی در راستای دو مقوله ایجاد اشتغال و نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط با رشد سریع در آن انجام شده است، اما می‌توان شروع این بازشناسی را در دو اثر معروف برچ (۱۹۷۹، ۱۹۸۱)^۱ جستجو نمود. او در این دو اثر که آغازگر بازشناسی نقش و اهمیت بنگاه‌های با رشد سریع در ایجاد اشتغال تلقی می‌شود، نشان داده است که ایجاد اشتغال در اقتصاد آمریکا تنها توسط درصد اندکی از بنگاه‌های کوچک و متوسط صورت گرفته است.^۲ پس از آمریکا، می‌توان انگلستان را به عنوان کشوری که بیشترین مطالعات این حوزه را به خود اختصاص داده، معرفی نمود. استوری به عنوان مشهورترین نام

1.D. Birch (1979, 1981)

۲. همچنین می‌توان به مطالعه استون و هالتیونگر (۱۹۹۲) و هالتیونگر و چون (۱۹۹۹) در صنایع تولیدی آمریکا اشاره کرد.

این حوزه در انگلستان در مجموعه اثر خود به نام "ده‌درصدی‌ها"^۱ نشان داده است که تنها ده درصد از بنگاه‌های اقتصادی توانایی بروز رشدی سریع و در نتیجه سهم اصلی ایجاد اشتغال را داشته و ادعا بر این است که بخش اصلی از رشد اقتصادی دهه ۱۹۸۰ در این کشور مدیون سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط است. در این راستا، مطالعه هارت و هانوی (۱۹۹۵)^۲ به بررسی نقش بنگاه‌های کوچک و بنگاه‌های جدید در ایجاد اشتغال در اواخر دهه ۱۹۸۰ پرداخته‌است. این مطالعه موضوع ایجاد اشتغال را در بخش صنایع تولیدی به تفکیک مناطق بررسی نموده‌است. نتایج به‌دست‌آمده نشان‌دهنده تمایز شاخص‌های اقتصادی در مناطق مختلف بوده و لزوم توجه به نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایجاد اشتغال را به صورت جداگانه، تأکید می‌نماید. همچنین در مطالعه هارت و هانوی اندازه بنگاه‌های اقتصادی به ۶ گروه (۱-۵،۴-۱۱،۱۰-۲۴، ۴۹-۹۹، ۲۵-۵۰ و بیش از ۱۰۰ نفر کارکن) تقسیم شده و نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که بیشترین اشتغال به‌وجودآمده توسط تعداد اندکی از بنگاه‌های کوچک با رشد سریع ایجاد شده‌است. علاوه بر استوری، نام نورث و اسمالبن^۳ به عنوان افرادی سرشناس در انگلستان شناخته شده‌است.^۴ مطالعه نورث و اسمالبن مانند مطالعه هارت و هانوی به بررسی بنگاه‌های کوچک و متوسط بالغ در ایجاد اشتغال به تفکیک مناطق در این کشور پرداخته‌است. بنگاه‌های صنعتی این مطالعه در دوره ۷۹-۱۹۹۰ در هشت بخش صنایع تولیدی انتخاب و بنگاه‌های کوچک و متوسط بر اساس تعداد شاغلان کمتر از ۱۰۰ نفر کارکن در سال پایه (۱۹۷۹) تعریف شده‌اند. در این مطالعه، بنگاه‌های کوچک و متوسط بر اساس تغییر در میزان اشتغال به پنج گروه بنگاه‌های با رشد سریع^۵، بنگاه‌های با رشد نسبتاً سریع^۶، بنگاه‌های با رشد میانه^۷، بنگاه‌های بدون تغییر^۸ (بنگاه‌هایی که اشتغال آنها در دوره مورد نظر ثابت مانده‌است) و بنگاه‌های کوچک‌شده^۹ (بنگاه‌هایی که اشتغال آنها در دوره مورد نظر کاهش یافته‌است) تقسیم شده‌اند. در مجموع، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ایجاد اشتغال توسط بنگاه‌های کوچک و متوسط به شدت تحت تأثیر مکانی است که بنگاه در آن قرار گرفته است.

علاوه بر مطالعات متعدد در کشورهای آمریکا و انگلستان، مطالعات ارزشمند دیگری در مورد نقش و سهم بنگاه‌های با رشد سریع در ایجاد اشتغال در صنایع تولیدی کشورهای مختلف جهان صورت

1. The Ten Percenters

2. Hart and Hanvey (1995)

3. North and Smallbone (1995)

۴. مطالعه کونینگ (۱۹۹۵) از دیگر مطالعاتی است که در صنایع تولیدی انگلستان صورت گرفته است.

5. High Growth Firms

6. Strong Growth Firms

7. Moderate Growth Firms

8. Stable Firms

9. Declining

گرفته‌است. به طور مثال، واگنر (۱۹۹۵)^۱ در مطالعه خود با نام "اندازه بنگاه و ایجاد اشتغال در آلمان"^۲ آلمان با مطالعه بنگاه‌های با بیش از ۲۰ نفر کارکن، معتقد است که دستیابی به داده‌های خرد در کشور آلمان در دوره مورد مطالعه با محدودیت‌های قانونی فراوانی روبرو بوده است.^۳ به هر حال، این پژوهش با استفاده از داده‌های تعاقبی^۴ یعنی داده‌هایی که در آن بنگاه اقتصادی در دوره‌ای معین مورد تعقیب و تحت نظر قرار گیرد، صورت گرفته است.^۵ اندازه بنگاه یکی دیگر از متغیرهای متعددی است که در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته و بدین منظور داده‌های مورد استفاده در این پژوهش به ۹ گروه (۱-۱۹ نفر کارکن، ۲۰-۴۹، ۵۰-۹۹، ۱۰۰-۲۴۹، ۲۵۰-۴۹۹، ۵۰۰-۹۹۹، ۱۰۰۰-۲۴۹۹، ۲۵۰۰-۴۹۹۹ و بیش‌تر از ۵۰۰۰ نفر کارکن) تقسیم شده است. در مجموع، در داده‌های مورد بررسی توسط واگنر بیش از ۸۰ درصد از بنگاه‌ها اشتغالی کمتر از ۱۰۰ نفر کارکن داشته‌اند. همانند نتایج مطالعات دیگر انجام شده در این حوزه بر اساس طبقه‌بندی نه‌گانه در مطالعه واگنر، تنها در ۴ طبقه اول از طبقات نه‌گانه، نرخ متوسط خالص اشتغال مثبت و در طبقات دیگر، این نرخ منفی است. در مجموع، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ایجاد و نابودی شغل در آلمان با آنچه در کشورهای دیگر جهان مشاهده شده است، یعنی سهم اصلی بنگاه‌های کوچک در ایجاد شغل جدید و نیز نابودی آن، هم‌خوانی و سازگاری داشته و نرخ خالص اشتغال ایجاد شده و از بین رفته با افزایش اندازه بنگاه‌ها در حال کاهش است.

مطالعه بروسما و گاتر (۱۹۹۷)^۶ را شاید بتوان تنها مطالعه مدون در این حوزه در کشور هلند تا سال ۱۹۹۵ دانست. برای مطالعه ایجاد و از بین رفتن اشتغال در کشور هلند از داده‌های ۳۰۴۴ بنگاه دارای بیش از ۱۰ نفر کارکن در بخش صنایع تولیدی در دوره ۷۸-۱۹۹۱ استفاده شده است. داده‌های این مطالعه نیز مانند داده‌های مورد استفاده در این پژوهش به داده‌های بنگاه‌های کوچک کمتر از ۱۰ نفر کارکن دسترسی نداشته و افزون بر آن، بررسی ورود و خروج بنگاه‌ها نیز به دلیل مشکلات آماری امکان‌پذیر نبوده است. به گفته این پژوهشگر این مشکلات می‌تواند نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار داده و تا اندازه‌ای باعث فاصله آن با واقعیت‌های موجود شود. در این مطالعه، بنگاه‌های اقتصادی به ۶ گروه (۱۰-۱۹، ۲۰-۴۹، ۵۰-۹۹، ۱۰۰-۱۹۹، ۲۰۰-۴۹۹ و بیش از ۵۰۰ نفر کارکن) و در طبقه‌بندی دیگر به سه گروه بنگاه‌های کوچک (بنگاه‌های با ۱۰-۹۹ نفر کارکن) و بنگاه‌های بزرگ (با بیش از ۱۰۰ نفر

1. J. Wagner (1995)

2. Firm Size and Job Creation in Germany

۳. در پژوهش واگنر مفاهیم Establishment, Enterprise و Firm مورد توجه بوده و به صورت جداگانه مورد استفاده قرار گرفته است.

4. Longitudinal Data

۵. در پژوهش واگنر نکات ارزشمندی در مورد با داده‌های مورد بررسی که با داده‌های ایران نیز تطابق دارد، قابل تأمل است.

6. Broersma and Gautier (1997)

کارکن) تقسیم شده‌اند. براساس نظر بروسما و گاتر این طبقه‌بندی بر مبنای طبقه‌بندی استاندارد OECD^۱ مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مجموع، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بنگاه‌های کوچک و بزرگ رفتار متفاوتی را در ایجاد اشتغال و نابودی آن ارائه می‌دهند. این تفاوت‌ها عبارتند از:

۱- جریان اشتغال در بنگاه‌های کوچک بیشتر از بنگاه‌های بزرگ است،
 ۲- جریان اشتغال در بنگاه‌های کوچک از روند نسبتاً با ثباتی نسبت به بنگاه‌های بزرگ برخوردار است.

۳- در دوران رکود ایجاد اشتغال در بنگاه‌های کوچک پایدارتر از اشتغالی است که توسط بنگاه‌های بزرگ ایجاد شده‌است. برای کسانی که در حوزه ایجاد اشتغال به‌ویژه در حوزه بنگاه‌های کوچک و متوسط مطالعه می‌نمایند، نام بالدوین نامی کاملاً آشناست. او در مقاله‌های متعددی موضوع ایجاد اشتغال را مورد بررسی قرار داده و مقاله او و همکارش^۲ نمونه‌ای از این مطالعات در کانادا است. تقریباً در تمامی مطالعات انجام‌شده توسط وی، سه مفهوم ایجاد شغل، نابودی آن و در نتیجه خالص تغییرات شغل که از تفاوت این دو به‌دست می‌آید، مورد بررسی قرار گرفته و نتایج تمامی این مطالعات نشان می‌دهد که خالص اشتغال ایجادشده در بنگاه‌های کوچک تولیدی بیشتر از خالص اشتغال ایجادشده در مقایسه با بنگاه‌های بزرگ است. در این مطالعه بنگاه‌ها به ۹ گروه (۰-۱۹، ۲۰-۴۹، ۵۰-۹۹، ۱۰۰-۲۴۹، ۲۵۰-۴۹۹، ۵۰۰-۹۹۹، ۱۰۰۰-۲۴۹۹، ۲۵۰۰-۵۰۰۰ و بیش از ۵۰۰۰ نفر کارکن) تقسیم شده‌اند. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده نرخ خالص ایجاد اشتغال در بنگاه‌های کوچک بیشترین درصد را به خود اختصاص داده که این درصد با افزایش تعداد کارکنان کاهش می‌یابد. این روند نزولی از بنگاه‌های کوچک به بنگاه‌های بزرگ در اشتغال از دست رفته نیز مشاهده می‌شود. مثبت‌بودن تغییرات خالص اشتغال در بنگاه‌های کوچک و متوسط در مقابل تغییرات منفی خالص اشتغال در بنگاه‌های بیش از ۱۰۰ نفر کارکن یکی از نتایج مهم و قابل توجه در این مطالعه و تأییدی بر اهمیت رشد بنگاه‌های کوچک است. در مجموع، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بنگاه‌های کوچک در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ نقش فزاینده و پر اهمیتی را در ایجاد شغل در صنایع تولیدی کشور کانادا ایفا نموده‌اند.

مطالعه بیلسن و کونینگ (۱۹۹۸)^۳ به بررسی مقوله‌های متفاوتی در حوزه ایجاد و نابودی شغل در کشورهای بلغارستان، لهستان و رومانی پرداخته است. در این مطالعه، علاوه بر بررسی ایجاد و نابودی شغل، این مقوله به تفکیک مالکیت بنگاه‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفته و ۴۳۱ بنگاه با مالکیت خصوصی و دولتی نمونه مورد بررسی این مطالعه را تشکیل می‌دهد. افزون بر این، عوامل مؤثر بر رشد اشتغال

1. Organisation for Economic Co-operation and Development

2. Baldwin and Picot (1994)

3. Bilsen and Konings (1998)

بنگاه نیز بخشی اساسی در این مقاله است. بر اساس مطالعات انجام شده در این زمینه سن بنگاه و همچنین اندازه آن در زمان شروع فعالیت، اثر منفی بر رشد اشتغال بنگاه دارد. در مجموع، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بنگاه‌های تازه وارد بخش خصوصی در ایجاد و نابودی اشتغال ناخالص نسبت به بنگاه‌های قدیمی از پویایی بیشتری برخوردارند.

مطالعه روبر^۱ با عنوان "ایجاد و نابودی اشتغال در ایرلند شمالی"^۲ در سال ۲۰۰۱ با هدف اصلی برآورد اشتغال ایجاد شده و نیز اشتغال از بین رفته در ایرلند شمالی در دوره ۲۰ ساله ۷۳-۱۹۹۳ صورت گرفته است. در این مطالعه، ایجاد اشتغال می‌تواند از دو منشأ ورود بنگاه‌های جدید و یا رشد بنگاه‌های موجود صورت گیرد. از سوی دیگر، بسته شدن بنگاه و یا کاهش اشتغال در بنگاه‌های موجود و فعال نابودی اشتغال را در پی دارد. از این رو می‌توان تغییرات خالص اشتغال را در دوره زمانی مورد نظر، نتیجه تعامل بین چهار عامل (ورود بنگاه‌های جدید، رشد بنگاه‌های موجود، همچنین بسته شدن بنگاه و کاهش اشتغال) و یا دو عامل خالص اشتغال ایجاد شده و خالص اشتغال از بین رفته دانست. افزون بر این، اندازه بنگاه یکی دیگر از مهم‌ترین متغیرهایی است که در این پژوهش برای بررسی ایجاد و نابودی شغل در نظر گرفته شده است. نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد که بنگاه‌های کوچک (بنگاه‌های با ۵۰-۲۰ نفر کارکن) تنها اندازه‌ای هستند که در آنها خالص ایجاد اشتغال مثبت بوده است. این در حالی است که در میان بنگاه‌های بزرگ‌تر اشتغال از بین رفته بیش‌تر از اشتغال ایجاد شده است. با این وجود، بیشترین اشتغال ایجاد شده (البته به صورت ناخالص) در بین بنگاه‌های بزرگ بوده است. این موضوع بدان معنا است که سهم اندکی از کل اشتغال در بنگاه‌های کوچک تمرکز یافته است. افزون بر این، نتیجه ارزشمند این مطالعه آن است که جریان اشتغال در بنگاه‌های کوچک از روندی با نوسانات اندک برخوردار بوده است، در حالی که این روند در بنگاه‌های بزرگ با نوسانات دوره‌ای مشاهده می‌شود.

مطالعه ولگاریس و همکارانش^۳ در سال ۲۰۰۵ با عنوان "ایجاد و نابودی اشتغال در صنایع تولیدی یونان"^۴ یکی از جدیدترین مطالعات این حوزه در کشور یونان تلقی می‌شود. این مطالعه به بررسی ۶۱۶۴ بنگاه صنعتی با توجه به بخش‌های مختلف و تعداد کارکنان بنگاه‌ها در دوره ۹۹-۱۹۹۵ در این کشور پرداخته است. ولگاریس و همکارانش تأثیر تعداد کارکنان صنعتی که بنگاه در آن مشغول به فعالیت است، همچنین، متغیرهای سن بنگاه، فعالیت‌های صادراتی و موقعیت مکانی بنگاه‌های صنعتی را بر رشد اشتغال این بنگاه‌ها بررسی می‌نمایند. در این مطالعه بنگاه‌های صنعتی مورد مطالعه به ۴ گروه تقسیم شده‌اند. نرخ ایجاد اشتغال، نابودی آن و نرخ تخصیص مجدد برای بنگاه‌های صنعتی یونان، نتایج مطالعات پیشین را تأیید می‌کند، به طوری که این نرخ‌ها برای بنگاه‌های کوچک بیشترین بوده و به

1. Roper (2001)

2. Job Creation and Job Destruction in Northern Ireland

3. Voulgaris et al (2005)

4. Job Creation and Job Destruction in Greek Manufacturing

تدریج با افزایش اندازه بنگاه کاهش می‌یابد. افزون بر این، در بنگاه‌هایی که در دوره مورد مطالعه فعالیت خود را ادامه می‌دهند، نرخ کاهش اشتغال برای بنگاه‌های بزرگ بیشترین درصد و برای بنگاه‌های کوچک کمترین است. نتایج دیگر این مطالعه نشان می‌دهد که اشتغال ایجاد شده از طریق ورود بنگاه‌های جدید و همچنین اشتغال از دست‌رفته ناشی از خروج بنگاه‌ها در بنگاه‌های کوچک بیشتر از سایر بنگاه‌ها است. بنگاه‌های کوچک با احتمال بیشتری بسته شده و معمولاً بنگاه‌های جدیدی که وارد می‌شوند، بنگاه‌هایی کوچک با اندازه کمتر از ۲۰ نفر کارکن می‌باشند. بر این اساس، مطابق با نظر شومپیتر بنگاه‌های کوچک زمینه‌ساز تخریب خلاق^۱ تلقی می‌شوند. در مجموع، نتایج پژوهش ولگاریس و همکارانش نشان داده‌است که بنگاه‌های کوچک و متوسط نقشی پویا در اشتغال خالص ایجاد شده در صنایع تولیدی کشور یونان ایفا نموده‌اند.

علاوه بر این مطالعات، مطالعات دیگر این حوزه (که پرداختن به همه آنها در این مقاله مقدور نیست) نشان‌دهنده آن است که با ظهور دوباره بنگاه‌های کوچک و متوسط از دهه ۱۹۸۰ جایگاه این بنگاه‌ها در اقتصاد به ویژه از نظر ایجاد اشتغال مورد توجه قرار گرفته‌است. در این راستا اگرچه در مطالعات متعدد انجام شده در کشورهای توسعه‌یافته نقش اساسی این بنگاه‌ها در ایجاد اشتغال به اثبات رسیده است، اما مطالعه موضوعی با عنوان ایجاد اشتغال توسط بنگاه‌های کوچک و متوسط که بیش از همه در کشورهای در حال توسعه - که بیکاری از اصلی‌ترین معضلات آنهاست - مورد نیاز می‌باشد، مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌است. بررسی پژوهش‌های انجام شده، نشان می‌دهد که در سطح کشورهای در حال توسعه مطالعه قابل اعتمادی که به این موضوع پرداخته باشد، وجود نداشته و از این‌رو، تلاش کرده‌ایم تا این موضوع را در ایران مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم.

۳. ایجاد شغل و رشد سریع (معرفی مدل)

۳-۱. ایجاد شغل و نحوه تعیین آن

مطالعات موجود در زمینه ایجاد و نابودی اشتغال نشان می‌دهد، روش‌های متفاوتی برای اندازه‌گیری ایجاد و نابودی اشتغال، تخصیص بار دیگر آن و نیز تعیین اندازه بنگاه وجود دارد. یکی از این روش‌ها، روشی است که بروسما و همکارش در سال ۱۹۹۷ در مطالعه خود استفاده نمودند. مدل به‌کاررفته در این مدل به صورت زیر است:

اگر فرض کنیم $emp_{e,t}$ تعداد کارکنان بنگاه e در زمان t و $emp_{e,t-1}$ تعداد کارکنان بنگاه e در زمان $t-1$ تعریف شده باشد، در این صورت می‌توان متوسط اندازه بنگاه بین دو دوره را به صورت:

$$x_{e,t} = \frac{1}{\gamma} (emp_{e,t} + emp_{e,t-1}) \quad (10)$$

تعریف کرد. افزون بر این، می‌توان نرخ رشد بنگاه e در فاصله زمانی $t-1$ تا t ($g_{e,t}$) را با استفاده از رابطه ۱۱، محاسبه کرد:

$$g_{e,t} = \frac{\Delta emp_{e,t}}{x_{e,t}} \quad (11)$$

در این رابطه، به منظور جلوگیری از مشکلات ناشی از صفر بودن اشتغال بنگاه e در زمان $t-1$ ، $x_{e,t}$ در مخرج قرار گرفته است. محاسبه اشتغال ناخالص ایجادشده در زمان t توسط بنگاه‌های موجود در گروهی با اندازه S و با شرط اینکه $\Delta emp_{e,t} < 0$ باشد، به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$JC_{s,t} = \sum_{e \in E_{s,t}, g_{e,t} > 0} \left(\frac{x_{e,t}}{X_{s,t}} \right) g_{e,t} = \sum_{e \in E_{s,t}} \left(\frac{\Delta emp_{e,t}}{X_{s,t}} \right) \quad (12)$$

به طوری که $\Delta emp_{e,t} = emp_{e,t} - emp_{e,t-1}$ ، مجموعه بنگاه‌های با اندازه S در زمان t بوده و $X_{s,t}$ نیز همان‌طور که از رابطه ۱۳ نشان داده، مجموع اندازه همه این بنگاه‌هاست:

$$X_{s,t} = \sum_{e \in E_{s,t}} (x_{e,t}) \quad (13)$$

افزون بر این، اشتغال ناخالص از بین رفته نیز با توجه به شرط $\Delta emp_{e,t} < 0$ به صورت زیر قابل تعریف است:

$$JD_{s,t} = \sum_{e \in E_{s,t}, g_{e,t} < 0} \left(\frac{x_{e,t}}{X_{s,t}} \right) |g_{e,t}| = \sum_{e \in E_{s,t}} \left(\frac{-\Delta emp_{e,t}}{X_{s,t}} \right) \quad (14)$$

در این مدل، مجموع اشتغال ایجادشده و از بین رفته ناخالص به عنوان جریان اشتغال بین زمان t و $t-1$ تعبیرشده و به صورت زیر به دست می‌آید:

$$JR_{s,t} = JC_{s,t} + JD_{s,t} \quad (15)$$

با این وجود، در این مطالعه برای محاسبه ایجاد و نابودی اشتغال از مدل استفاده شده در پژوهش ولگاریس در سال ۲۰۰۵ استفاده کرده‌ایم. در این پژوهش نیز مانند پژوهش‌های دیگر این حوزه (به‌طور مثال، روپر در سال ۲۰۰۱) رشد اشتغال بنگاه‌های موجود در صنعت و همچنین ورود بنگاه‌های جدید ایجادکنندگان شغل محسوب شده و ایجاد شغل در بخش I در زمان t از طریق رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$JC_{It} = \sum_{i \in S_I} (N_{it} - N_{it-1}) + \sum_{i \in E_I} (N_{it}) \quad (16)$$

در این رابطه، N_{it} و N_{it-1} به ترتیب اشتغال بنگاه i ام در زمان t و $t-1$ را نشان می‌دهد. S_t مجموعه بنگاه‌های باقی‌مانده در بخش I و E_t مجموع بنگاه‌های وارد شده به بخش I است. اشتغال از بین رفته نیز (JD_{it}) به همین صورت محاسبه می‌شود. گفتنی است که در این مطالعه متوسط اشتغال بنگاه در سال ابتدای دوره مورد مطالعه و سال پایانی دوره، مبنای محاسبات قرار گرفته‌است. نرخ رشد اشتغال نیز با در نظر گرفتن متوسط اشتغال به عنوان مبنا به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$g_{it} = \frac{(N_{it} - N_{it-1})}{\left(\frac{1}{2}\right)(N_{it} + N_{it-1})} \quad (17)$$

در این رابطه، N_t میزان اشتغال در سال پایانی دوره مورد مطالعه و N_{t-1} اشتغال سال ابتدای دوره است. بر این اساس، نرخ ایجاد اشتغال در بخش I به صورت زیر به دست می‌آید:

$$JCR_{it} = \sum_{i \in S_t, \Delta N_{S_t} > 0, i \in E_t} \frac{\left(\frac{1}{2}\right)(N_{it} + N_{it-1})}{\left(\frac{1}{2}\right)(N_{it} + N_{it-1})} |g_{it}| \quad (18)$$

نرخ اشتغال از دست‌رفته (JDR_{it}) نیز به همین صورت محاسبه می‌شود. در نتیجه، تغییرات خالص اشتغال (NET) در هر گروه نیز از اختلاف بین ایجاد اشتغال و نابودی آن و از طریق رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$NET = JC - JD \quad (19)$$

۲-۳. رشد سریع و نحوه اندازه‌گیری آن

ایجاد اشتغال اگرچه در مجموع موضوعی اساسی تلقی می‌شود، اما در حوزه اقتصاد صنعتی و سیاستگذاری‌های اشتغال این حقیقت که برخی از بنگاه‌ها از رشد سریع‌تری نسبت به بنگاه‌های دیگر برخوردارند، دارای کاربرد و اهمیت فراوانی است. این بنگاه‌ها همواره مورد علاقه و توجه سیاستگذاران و مراکز علمی، پژوهشی و اقتصادی قرار گرفته‌است. با این وجود، پرسشی که بلافاصله مطرح می‌شود، آن است که منظور از رشد سریع چیست و چگونه اندازه‌گیری می‌شود؟

به رغم معرفی متغیرهای متفاوتی چون میزان فروش، ارزش افزوده و میزان دارایی‌ها به عنوان معیار رشد بنگاه، در کشورهایی که بیکاری به عنوان معضل اصلی اجتماع تلقی می‌شود، سطح اشتغال یا

تعداد کارکنان به عنوان واحد اندازه‌گیری رشد از اهمیت بیشتری برخوردار است^۱. بنابراین، در این پژوهش معیار اندازه‌گیری رشد سریع بنگاه‌های کوچک و متوسط، اشتغال در سطح بنگاه تولیدی بخش صنعت است. روش‌های متفاوتی نیز برای اندازه‌گیری رشد سریع وجود دارد. اگر رشد سریع یک بنگاه اقتصادی را به عنوان تغییر در اندازه آن در فاصله میان دو زمان متفاوت (t', t) فرض کنیم، در این صورت، می‌توان مقایسه میان اندازه بنگاه در دو زمان را با روش مقایسه مطلق، مقایسه نسبی و یا تلفیق این دو (Birch Index) انجام داد.

معیار رشد مطلق، ساده‌ترین نحوه محاسبه رشد سریع یک بنگاه تلقی می‌شود. بر این اساس، اگرچه ممکن است تعدادی از کارکنان یک بنگاه اقتصادی در دوره‌ای معین از فعالیت خارج شوند و در متون اقتصادی این تعداد حائز اهمیت است، اما در اندازه‌گیری رشد بنگاه تنها تعداد خالص کارکنانی که در یک دوره مشخص به مجموعه کارکنان یک بنگاه اضافه می‌شود، به عنوان معیار رشد، محسوب می‌شود^۲. براساس مطالعات موجود و با توجه به معیار رشد مطلق، بنگاهی دارای رشد سریع خواهد بود که بتواند در دوره مشخص تعداد کارکنان خود را به دو برابر افزایش دهد (به صورت رابطه زیر).

$$G_{it't'} = EMP_{it} - EMP_{it'} \quad (20)$$

به‌رغم سادگی، این معیار دارای یک مشکل اساسی است و آن عدم توجه به تعداد و یا میزان اولیه متغیر مورد نظر در محاسبه رشد سریع است. به‌طور مثال، چنانچه در داده‌های مورد مطالعه دو بنگاه، بنگاهی با ۸۰ نفر کارکن و دیگری با دو کارکن وجود داشته باشد، آنگاه چنانچه بنگاه اول بتواند در دوره مشخص تعداد کارکنان خود را به ۱۵۰ نفر افزایش دهد و به عبارتی ۷۰ نفر به صورت خالص بر تعداد کارکنان بیفزاید، بنگاهی با رشد سریع تلقی نخواهد شد. این در حالی است که بنگاه دوم تنها با افزایش کارکنان خود به ۴ نفر، یعنی تنها افزایش دو نفر کارکن، بنگاهی با رشد سریع به حساب می‌آید. برای حل بخشی از این معضل و جلوگیری از تورش‌های ممکن ناشی از به‌کارگیری معیار مطلق در محاسبه رشد، در این مطالعه بنگاهی دارای رشد سریع خواهد بود که:

الف) تعداد کارکنان را در دوره مطالعه به دو برابر افزایش دهد.

ب) حداقل پنج نفر به تعداد کارکنان بیفزاید.

در ادبیات رشد سریع و به ویژه پژوهش‌های ارزشمند استوری در انگلستان معیار رشد ده درصدی سالانه به عنوان معیار اساسی برای تفکیک بنگاه‌های با رشد سریع از سایر بنگاه‌ها به کار گرفته شده است. بر این اساس، متوسط رشد سالانه ده درصد به صورت رابطه ۲۱، یکی دیگر از معیارهایی است که در این مطالعه برای محاسبه رشد سریع بنگاه‌های کوچک و متوسط صنایع تولیدی ایران (با کمتر از ۵۰ نفر کارکن) در طول برنامه دوم توسعه مورد استفاده قرار گرفته است.

1. Laursen, et al. (1999)

2. Wiklund, (1998); Feizpour, (2003)

$$G_{it}^{\vee} = \frac{EMP_{it} - EMP_{it'}}{EMP_{it'}} \quad (21)$$

معیار برچ^۱ که با تلفیق دو معیار اندازه‌گیری رشد مطلق و نسبی به صورت رابطه ۲۲، محاسبه می‌شود، روشی ترکیبی را برای محاسبه رشد یک بنگاه معرفی نموده^۲ و سومین مدل مورد استفاده برای محاسبه رشد سریع در این مطالعه است. اگرچه مانند معیارهای نسبی و مطلق در این معیار نیز از تعداد شاغلان به عنوان معیار تعریف اندازه بنگاه استفاده شده، اما این معیار باعث کاهش تورش‌های ناشی از اندازه‌گیری رشد بنگاه خواهد شد. با این تعریف، بنگاهی دارای رشد سریع خواهد بود که در دهک بالای توزیع BI قرار گیرد^۳.

$$BI = G_{it}^{\vee} = (EMP_{it} - EMP_{it'}) \frac{EMP_{it}}{EMP_{it'}} \quad (22)$$

ایجاد اشتغال به تنهایی به عنوان بخشی اساسی در خالص اشتغال ایجاد شده در دوره‌ای معین از اهمیت به‌سزایی برخوردار بوده و از این رو بررسی اشتغال ایجاد شده به تفکیک بنگاه‌های تولیدی در اندازه‌های مختلف و نیز سهم بنگاه‌های با رشد سریع در کل اشتغال ایجاد شده در هر گروه و در صنایع تولیدی ایران در طول برنامه دوم توسعه موضوعات اساسی است که در ادامه این مقاله به آنها خواهیم پرداخت.

۴. داده‌ها، روش جمع‌آوری و توصیف آنها

با تمام اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایجاد اشتغال، عدم دسترسی به داده‌های سطح خرد یکی از مهم‌ترین دلایل عدم امکان بررسی‌های دقیق در مورد نقش آنها در ایجاد اشتغال تلقی می‌شود و به دلایل متفاوت، دستیابی به داده‌های مورد نیاز برای تحلیل بنگاه‌های کوچک و متوسط به‌ویژه هنگامی که تحلیل در طول زمان صورت می‌پذیرد، نسبت به بنگاه‌های بزرگ امری مشکل‌تر است. به طور مثال، تعداد زیادی از بنگاه‌های کوچک و متوسط در سال‌های اولیه ورود به بازار فعالیت از صنعت خارج می‌شوند و به بیان دیگر، جوانمردی از ویژگی اساسی این بنگاه‌ها محسوب می‌شود، اما این موضوع در مورد بنگاه‌های بزرگ موضوعیت کمتری دارد. افزون بر این، تعداد زیادی از بنگاه‌های کوچک و متوسط، به‌ویژه در اندازه‌های بسیار کوچک (خرد)، بنگاه‌هایی هستند که ممکن است به صورت رسمی در

1. Birch Index

2. Almus (2000)

۳. بنگاه‌ها را می‌توان بر اساس نرخ رشد و با توجه به رابطه ۲۲، رتبه‌بندی نمود. در این صورت، تقسیم بنگاه‌های مورد نظر به گروه‌های ده‌گانه و به عبارتی تعیین دهک‌های رشد بنگاه قابل محاسبه و رتبه بندی است. بر اساس مطالعات موجود و با توجه به معیار BI، بنگاهی دارای رشد سریع خواهد بود که در دهک اول رتبه بندی یاد شده قرار گیرد.

آمارهای بخش مورد نظر، ثبت نشده باشند، موضوعی که کمتر در مورد بنگاه‌های بزرگ مصداق دارد. با چنین محدودیت‌هایی، نبود تحلیل‌های دقیق از عملکرد بنگاه‌های کوچک و متوسط، به‌ویژه در کشورهایی که دستیابی به چنین اطلاعات خرد، وجود ندارد، طبیعی به نظر می‌رسد.

اگر تغییر در اندازه بنگاه بر اساس تعداد کارکنان را به عنوان معیاری برای نقش آن در ایجاد اشتغال بپذیریم، تحلیل این عملکرد با توجه به هر مدل، شامل اقتصادی یا مدیریتی، نه تنها به داده‌های خرد بلکه به این داده‌ها در طول زمان نیاز دارد. مانند بسیاری از کشورهای جهان، در ایران نیز تنها در سال‌های اخیر دستیابی به چنین داده‌هایی از طریق مرکز آمار ایران ممکن شده است. با این وجود، گرچه می‌توان داده‌های بنگاه‌های تولیدی با بیش از ۱۰ نفر کارکن را از طریق مرکز آمار ایران برای سال‌های مختلف به دست آورد، اما از آن جا که در هر سال تعدادی بنگاه جدید به بخش صنعت وارد شده و تعدادی نیز از صنعت خارج می‌شوند، بر این اساس مطالعه تغییر در میزان اشتغال این بنگاه‌ها با چنین داده‌هایی غیرممکن است. برای انجام چنین مطالعه‌ای لازم است تا سالی به عنوان سال مبنا در نظر گرفته شده و ورود بنگاه‌های جدید را به صنعت کنترل نمود. از سوی دیگر، طبیعی است که در دوره‌ای مشخص تعدادی از بنگاه‌های مورد مطالعه که در سال پایه در صنعت مشغول فعالیت بوده‌اند، در دوره مورد نظر از صنعت خارج و بر این اساس با گذشت زمان از تعداد بنگاه‌های مورد مطالعه کاسته شود. بنابراین، دستیابی به داده‌های بنگاه‌های تولیدی صنعتی با فروس یادشده اگرچه غیرممکن نیست، ولی امری دشوار است که دقت فراوانی را نیز در تنظیم داده‌ها می‌طلبد. با همکاری مرکز آمار ایران دستیابی به چنین داده‌هایی برای بنگاه‌های تولیدی با ویژگی‌های یادشده در طول برنامه پنج ساله دوم، تهیه شده است.^۱ با این وجود، این داده‌ها دارای معایب و محدودیت‌هایی است. به‌طور مثال، اگرچه این داده‌ها برای ۱۲۹۸۶ بنگاه در سال اول برنامه دوم توسعه جمع‌آوری شده، اما داده‌های مربوط به بنگاه‌های با بیش از ۵۰۰ نفر نیروی کار در دسترس پژوهشگران قرار نگرفته است. در این صورت، اگر تعداد شاغلان یک بنگاه تولیدی به بیش از ۵۰۰ نفر افزایش یابد از فهرست داده‌ها حذف شده، بنابراین، تشخیص واقعی این که حذف یک واحد تولیدی از داده‌های مورد بررسی به دلیل خروج آن واحد و یا افزایش تعداد شاغلان آن به بیش از ۵۰۰ نفر بوده است، امری غیرممکن است.^۲ از دیگر معایب داده‌های مورد استفاده آن است که اگرچه در سال‌های اول تا چهارم از حدود ۲۰۰۰ واحد تولیدی صنعتی با اشتغال کمتر از ۱۰ نفر نیز نمونه‌گیری شده، اما در سال پایانی تنها داده‌های بنگاه‌هایی با بیش از ۱۰

۱. علاوه بر منابع آماری رسمی، (سالنامه‌های آماری و سرشماری از کارگاه‌های صنعتی)، با توجه به ویژگی‌های اختصاصی داده‌های مورد نیاز

برای تحلیل‌های این پژوهش، داده‌های مورد نیاز از واحد اطلاع‌رسانی مرکز آمار ایران و برای این مطالعه تهیه و پردازش شده است.

۲. اگرچه این موضوع می‌تواند در مواردی مشکل‌ساز شود، اما از آن جا که تأکید این پژوهش بر بنگاه‌های کوچک و متوسط است در این صورت بعید به نظر می‌رسد که بنگاهی با کمتر از ۵۰ نفر کارکن (اگر معیار برای بنگاه‌های کوچک و متوسط را ۵۰ نفر کارکن فرض نماییم) بتواند در یک برنامه پنج ساله به اشتغالی بیش از ۵۰۰ نفر برسد. معیار کمتر از ۵۰ نفر کارکن نیز معیاری پذیرفته‌شده در ایران است.

نفر کارکن جمع‌آوری شده‌است. با چنین رویکردی با خروج یک واحد تولیدی در سال پایان برنامه از فهرست داده‌های سال قبل، تفکیک این که این بنگاه واقعاً از صنعت خارج شده و یا این که به دلیل کاهش تعداد شاغلان به کمتر از ۱۰ نفر کارکن مورد سرشماری قرار نگرفته‌است، امری غیرممکن است. جدول ۱، توصیفی از داده‌های مورد بررسی در این پژوهش را نشان می‌دهد. بنگاه‌های کمتر از ۵۰ نفر کارکن که به عنوان بنگاه‌های کوچک و متوسط در این پژوهش معرفی شده‌اند،^۱ حدود ۸۵ درصد از کل بنگاه‌های موجود را تشکیل داده و بیش از ۴۰ درصد از کل اشتغال در سال ۱۳۷۴ توسط این بنگاه‌ها پوشش داده شده است. با توجه به این نکته که داده‌های مورد بررسی با کنترل ورود بنگاه‌های جدید صورت گرفته است، اشتغال بنگاه‌های باقی‌مانده در دوره مورد مطالعه (۷۴-۱۳۷۸) از ۱۹۱۷۰۵ به ۱۴۲۴۳۵ شغل کاهش یافته‌است. با این وجود، درصد اشتغال پوشش داده‌شده توسط این بنگاه‌ها نسبت به کل بنگاه‌های موجود، افزایش اندکی را نشان می‌دهد. این موضوع را می‌توان به رشد بیشتر بنگاه‌های کوچک و متوسط در مقایسه با سایر بنگاه‌ها نسبت داد. به بیان دیگر، از آنجایی که این مطالعه با فرض عدم ورود بنگاه‌های جدید صورت گرفته است، آمارها نشان‌دهنده کاهش مجموع اشتغال کل بنگاه‌های موجود است و این در حالی است که مجموع اشتغال پوشش داده شده توسط بنگاه‌های کوچک و متوسط افزایش یافته‌است.

جدول ۱- توصیف داده‌های مورد مطالعه

اشتغال در سال ۱۳۷۸	اشتغال در سال ۱۳۷۴		بنگاه			
	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۴۱/۶۹	۱۴۲۴۳۵	۴۱/۲۸	۱۹۱۷۰۵	۸۴/۵۶	۱۰۷۵۰	بنگاه‌های کمتر از ۵۰ نفر کارکن
۱۰۰	۳۴۱۵۹۶	۱۰۰	۴۶۴۳۸۲	۱۰۰	۱۲۷۱۲	کل بنگاه‌های مورد مطالعه

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

۱. بر اساس ادبیات این حوزه، تعاریف متعددی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط وجود دارد. به طور مثال، در ژاپن "آن دسته از بنگاه‌های که کمتر از ۵۰ نفر شاغل داشته باشند یا اینکه مجموع دارایی ثبت‌شده آنها از ۱۰ میلیون ین کمتر باشد" به عنوان بنگاه‌های کوچک و متوسط خدماتی تلقی می‌شوند. این در حالی است که در این کشور "بنگاه‌هایی با کمتر از ۳۰۰ نفر شاغل و یا مجموع دارایی کمتر از ۱۰۰ میلیون ین" به عنوان بنگاه‌های کوچک و متوسط تولیدی محسوب می‌شوند. در سنگاپور بنگاه‌های کوچک و متوسط خدماتی- تجاری شامل "آن دسته از بنگاه‌هایی است که حداکثر تعداد شاغلان آنها ۱۰۰ نفر باشد". در ایران بنگاه‌های کوچک و متوسط به بنگاه‌هایی گفته می‌شود که کمتر از ۵۰ نفر کارکن داشته باشد. بر این اساس، تأکید این پژوهش نیز بر بنگاه‌های کمتر از ۵۰ نفر کارکن قرار گرفته‌است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به سیاست‌های صنایع کوچک (۱۳۸۰) مراجعه کنید.

۵. تحلیل نتایج

با پذیرش معیار رشد مطلق برای تعریف رشد سریع و با توجه به معایب ذکرشده برای داده‌های جمع‌آوری‌شده توسط مرکز آمار ایران، بنگاه مورد مطالعه باید در سال اول دوره حداقل دارای ۵ نفر کارکن بوده باشد تا بتواند در پایان دوره مورد نظر تعداد کارکنان خود را به حداقل ۱۰ نفر افزایش داده تا در داده‌های مرکز آمار ایران منظور شود. با چنین رویکردی و برای مطالعه بنگاه‌های با رشد سریع با استفاده از معیار مطلق، تمام بنگاه‌های با کمتر از ۵ نفر کارکن در سال ابتدای برنامه، از فهرست داده‌ها حذف شده و تعداد بنگاه‌های مورد بررسی به ۱۰۵۳۶ بنگاه کاهش یافته است. افزون بر این، برای استفاده از مدل رشد متوسط سالانه ده درصد، بنگاه‌های با کمتر از ۶ نفر کارکن در سال ابتدای دوره از محاسبات حذف شده و تعداد کل بنگاه‌ها در این معیار به ۱۰,۰۵۱ بنگاه کاهش یافته است. این در حالی است که در استفاده از معیار برج به دلیل انتخاب بنگاه‌های موجود در دهک اول توزیع برج به عنوان بنگاه‌های با رشد سریع، تمامی بنگاه‌های کمتر از ۵۰ نفر کارکن مورد محاسبه و ارزیابی قرار می‌گیرند. با توجه به این موارد، نتایج محاسبه رشد سریع در بنگاه‌های کوچک و متوسط صنایع تولیدی و با توجه به معیار کمتر از ۵۰ نفر کارکن را در جدول ۲ نشان داده‌ایم.

جدول - ۲. توزیع اشتغال بنگاه‌های کمتر از ۵۰ نفر کارکن با رشد سریع با استفاده از

معیارهای مطلق، نسبی و BI

مدل مورد استفاده	وضعیت رشد		بنگاه‌های سال ۱۳۷۴		بنگاه‌های سال ۱۳۷۸		اشتغال سال ۱۳۷۸		
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
مدل رشد مطلق	عدم رشد سریع	۹۸۹۲	۹۳/۹	۴۷۴۵	۸۸/۰	۱۷۹,۷۴	۹۴/۱	۱۰۹,۲۹	۷۶/۹
	رشد سریع	۶۴۴	۶/۱	۶۴۴	۱۲/۰	۱۱,۲۱۸	۵/۹	۳۲,۸۳۲	۲۳/۱
	جمع کل	۱۰,۵۳۶	۱۰۰	۵۳۸۹	۱۰۰	۱۹۰,۹۶	۱۰۰	۱۴۲,۱۲	۱۰۰
مدل رشد نسبی سالیانه ده درصد	عدم رشد سریع	۸۶۴۶	۸۶/۰	۳۹۲۲	۷۳/۶	۱۶۱,۸۸	۸۶/۰	۸۳,۳۵۳	۵۹/۱
	رشد سریع	۱۴۰۵	۱۴/۰	۱۴۰۵	۲۶/۴	۲۶,۳۶۴	۱۴/۰	۵۷,۶۰۲	۴۰/۹
	جمع کل	۱۰,۰۵۱	۱۰۰	۵۳۲۷	۱۰۰	۱۸۸,۲۴	۱۰۰	۱۴۰,۹۵	۱۰۰
مدل رشد BI	عدم رشد سریع	۹۸۶۹	۹۱/۸	۴۵۲۶	۸۳/۷	۱۷۲,۲۷۳	۸۹/۹	۹۵,۶۱۵	۶۷/۱
	رشد سریع	۸۸۱	۸/۲	۸۸۱	۱۶/۳	۱۹۴۳۲	۱۰/۱	۴۶,۸۲۰	۳۲/۹
	جمع کل	۱۰,۷۵۰	۱۰۰	۵۴۰۷	۱۰۰	۱۹۱,۷۰	۱۰۰	۱۴۲,۴۳۵	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

همان‌طور که اطلاعات جدول ۲ نشان می‌دهد، از مجموع ۱۰۵۳۶ بنگاه و با توجه به معیار رشد مطلق، تنها حدود ۶ درصد از بنگاه‌ها (۶۴۴ بنگاه) رشد سریع را تجربه نموده‌اند. نکته قابل توجه این است که به دلیل کنترل ورود بنگاه‌های جدید و خروج بنگاه‌های موجود، تعداد کل بنگاه‌های مورد مطالعه در سال پایانی دوره کاهش خواهد یافت. بر این اساس، به دنبال کاهش تعداد بنگاه‌ها، مجموع اشتغال بنگاه‌های مورد بررسی نیز در سال‌های برنامه دوم توسعه به شدت کاهش یافته است. این در حالی است که تعداد شاغلان بنگاه‌های کوچک و متوسط با رشد سریع از ۱۱۲۱۸ بنگاه به حدود سه برابر افزایش یافته و به بیش از ۳۲۸۰۰ بنگاه رسیده است. سهم این بنگاه‌ها نیز از کل اشتغال به حدود ۴ برابر افزایش یافته است (از ۵/۹ در سال ۱۳۷۴ به ۲۳/۱ درصد در سال ۱۳۷۸). این یافته با یافته‌های کشورهای دیگر جهان که سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط با رشد سریع را از کل بنگاه‌ها کمتر از ۱۰ درصد نشان می‌دهد، هماهنگی داشته و از طرفی مؤید نقش اساسی این بنگاه‌ها در ایجاد اشتغال است، چرا که تنها ۶ درصد از بنگاه‌های با رشد سریع توانسته‌اند ۲۱,۶۱۴ شغل جدید ایجاد نمایند، در حالی که کل اشتغال موجود کاهش یافته است.

محاسبه رشد سریع با استفاده از معیار متوسط رشد سالانه ده درصد تعداد بنگاه‌های کوچک و متوسط را به ۱۰,۰۵۱ بنگاه کاهش داده است. اما با استفاده از این معیار درصد بنگاه‌های با رشد سریع به ۱۴ درصد افزایش یافته است، که این درصد با نتایج مطالعات موجود در این زمینه که حاکی از کمتر از ده درصد بودن بنگاه‌های با رشد سریع است، همخوانی کمتری دارد. با این وجود، این بنگاه‌ها با رشد سریع خود در دوره مورد بررسی به‌رغم کاهش کل اشتغال، اشتغال خود را به بیش از دو برابر افزایش داده‌اند (از ۲۶,۳۶۴ شغل در سال ۱۳۷۴ به ۵۷,۶۰۲ شغل در سال ۱۳۷۸).

با تغییر تعریف مدل رشد سریع به معیار رشد برچ به عنوان تلفیقی از دو روش یادشده، درصد بنگاه‌های دارای رشد سریع به ۸ درصد تغییر می‌یابد. همان‌طور که اطلاعات جدول ۲ نشان می‌دهد، این تعداد از بنگاه‌ها که در سال ۱۳۷۴ تنها حدود ۱۰ درصد از اشتغال موجود را به خود اختصاص داده‌اند، در سال ۱۳۷۸ سهم خود را از اشتغال موجود به بیش از ۳ برابر افزایش داده‌اند. اشتغال این بنگاه‌ها در دوره مورد بررسی از ۱۹,۴۳۲ شغل در سال ۱۳۷۴ به بیش از دو برابر افزایش یافته و به ۴۶,۸۲۰ شغل در سال پایانی دوره رسیده است. همان‌طور که مشاهده شد با تغییر مدل‌های رشد سریع و به‌رغم کاهش کل اشتغال به دلیل کنترل ورود بنگاه‌های جدید، اشتغال بنگاه‌های با رشد سریع به مقدار قابل توجهی افزایش یافته است. بنابراین، با تغییر مدل رشد نیز نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایجاد اشتغال تغییر قابل ملاحظه‌ای نخواهد کرد و نتایج نشان‌دهنده اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط با رشد سریع در ایجاد اشتغال و مؤید یافته‌های مطالعات پیشین در این زمینه است.

نکته دیگری که لازم است در تحلیل رشد سریع مد نظر قرار گیرد، نقش صنعتی است که بنگاه اقتصادی در آن فعالیت می‌نماید. این موضوع در مطالعات کشورهای دیگر نیز نشان داده شده است.^۱ بر این اساس، لازم است تا تأثیر نوع صنعت بر رشد سریع و نیز تمایز رشد سریع در صنایع مختلف نیز مورد بررسی قرار گیرد. نتایج رشد سریع به تفکیک نوع صنعت را در جدول ۳ آورده‌ایم. همان‌طور که مشاهده می‌شود، رشد سریع (با استفاده از معیارهای مطلق، نسبی و BI) در دامنه صفر تا ۴۴ درصد در بین صنایع متغیر بوده است. صنایع ۳۰ و ۳۴ بدون توجه به معیار مورد استفاده دارای بالاترین درصد بنگاه‌های با رشد سریع و صنعت شماره ۳۷، صنعتی بدون سهم از بنگاه‌های با رشد سریع است. در این میان و با توجه به تعداد اندک بنگاه‌های صنایع ۳۰ و ۳۷ (در مجموع ۲۳ بنگاه) شاید بتوان تنها مورد استثنا را صنعت شماره ۳۴ دانست، صنعتی که در آن با استفاده از معیار مطلق حدود ۲۲ درصد، معیار نسبی ۳۵/۵ درصد و هنگامی که معیار BI به عنوان مبنای محاسبه رشد سریع قرار می‌گیرد، ۲۰ درصد از بنگاه‌های رشدی سریع را از خود نشان داده‌اند بنابراین، گاهی تنها توجه به درصد بنگاه‌های دارای رشد سریع در هر صنعت می‌تواند گمراه‌کننده باشد و لازم است تا این درصد همراه با تعداد بنگاه‌های تشکیل‌دهنده آن صنعت مد نظر قرار گیرد. با چنین رویکردی تنها صنعت متمایز از نظر رشد سریع و درصد بالای آن، صنعت شماره ۳۴ (تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم تریلر) خواهد بود.^۲ همان‌طور که در بخش دوم این مطالعه مشاهده شد، بیشتر مطالعات انجام‌شده در این حوزه بر نقش اندازه بنگاه‌ها در اشتغال ایجاد شده و از بین رفته تأکید می‌نمایند. بر این اساس، کارگاه‌های ده نفر کارکن و بیشتر، همچنین اشتغال موجود در این کارگاه‌ها در سال‌های ۷۳-۱۳۸۴ را در جدول ۴، نشان داده‌ایم. اگرچه نمی‌توان بر اساس داده‌های موجود در این جدول نتیجه قطعی از ویژگی‌های بنگاه‌های صنعتی ایران به تفکیک اندازه و سال مورد بررسی ارائه نمود، اما این داده‌ها دربرگیرنده نکاتی ارزشمند است. نخست آنکه جدول ۴ نشان می‌دهد در سال‌های ۷۳-۱۳۸۴ درصد بنگاه‌های ۱۰-۴۹ نفر از حدود ۸۳ درصد به ۷۶ درصد کاهش یافته است. این کاهش می‌تواند ناشی از کوچک شدن بنگاه‌ها و از این رو خروج آنها از این طبقه باشد. افزون بر این، کاهش سهم بنگاه‌های این طبقه می‌تواند ناشی از بزرگ شدن بنگاه‌ها و در نتیجه، حرکت آنها از این طبقه به طبقه‌های بعدی باشد. همچنین، ورود تعداد بیشتری از بنگاه‌ها به طبقات دیگر، دلیل دیگری بر کاهش سهم نسبی بنگاه‌های موجود در طبقه ۱۰-۴۹ نفر است. تشخیص دقیق این موارد با توجه به داده‌های ارائه شده در جدول ۴ امکان‌پذیر نیست. اما از آنجا که درصد اشتغال در این طبقه تنها حدود ۲ درصد افزایش یافته است، با مقایسه درصد بنگاه‌های قرار گرفته

1. OECD, (2002)

۲. پرسش مهم دیگر این است که رشد سریع (شاغلان) تحت تأثیر چه عواملی است؟ فیض‌پور (۱۳۸۶) نشان داده است از میان متغیرهای متعدد مورد بررسی، سن بنگاه، مهارت کارکنان، مخارج تبلیغات، حجم سرمایه‌گذاری، رشد صنعتی که بنگاه در آن فعالیت می‌نماید و موانع ورود به صنعت اصلی‌ترین عوامل مؤثر بر رشد سریع بنگاه‌های کوچک و متوسط صنایع تولیدی ایران محسوب می‌شود.

در طبقه ۱۰-۴۹ نفر کارکن در مقایسه با درصد اشتغال موجود در این طبقه، می‌توان قضاوتی هرچند غیردقیق اما مبنی بر افزایش درصد بنگاه‌ها در طبقات بعدی (۵۰-۹۹ نفر و بیشتر از ۱۰۰ نفر کارکن) ارائه نمود.

جدول ۳- توزیع بنگاه‌های کمتر از ۵۰ نفر کارکن در صنایع تولیدی ایران به تفکیک کدهای دو رقمی ISIC و با استفاده از معیارهای رشد مطلق، نسبی و BI

کد صنعت	نام صنعت	معیار مطلق		رشد نسبی		رشد BI	
		تعداد کل	درصد کل	تعداد کل	درصد کل	تعداد کل	درصد کل
۱۵	صنایع مواد غذایی و آشامیدنی	۱۵۴۰	۵.۹	۱۴۹۴	۱۲.۹	۱۵۴۰	۴.۲
۱۷	تولید منسوجات	۱۲۳۱	۴.۱	۱۱۷۳	۱۰.۱	۱۲۳۱	۳.۰
۱۸	تولید پوشاک - عمل آوردن و رنگ کردن پوست - خردار	۳۷۳	۲.۴	۳۲۸	۴.۹	۳۷۳	۰.۸
۱۹	دباغی و عمل آوردن چرم و ساخت کیف و ...	۳۱۵	۵.۷	۲۸۹	۹.۷	۳۱۵	۲.۹
۲۰	تولید چوب و محصولات چوبی و ...	۱۷۷	۴.۰	۱۶۶	۱۰.۲	۱۷۷	۲.۳
۲۱	تولید کاغذ و محصولات کاغذی	۱۳۱	۷.۶	۱۲۳	۱۳.۰	۱۳۱	۴.۶
۲۲	انتشار و چاپ و تکثیر رسانه های ضبط شده	۲۱۵	۳.۷	۲۰۹	۱۱.۰	۲۱۵	۲.۳
۲۳	صنایع تولید ذغال کک - پالایشگاه های نفت و ...	۳۴	۸.۸	۳۳	۱۲.۱	۳۴	۵.۹
۲۴	صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی	۴۱۱	۹.۵	۴۰۷	۱۸.۲	۴۱۱	۶.۶
۲۵	تولید محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۴۲۲	۶.۴	۴۰۶	۱۱.۸	۴۲۲	۴.۳
۲۶	تولید سایر محصولات کانی غیر فلزی	۲۹۰۴	۵.۱	۲۷۵۸	۱۲.۸	۲۹۰۴	۲.۴
۲۷	تولید فلزات اساسی	۲۲۵	۸.۰	۲۱۶	۱۵.۷	۲۲۵	۴.۴
۲۸	تولید محصولات فلزی فابریکی بجز ...	۸۶۰	۶.۵	۸۲۷	۱۶.۳	۸۶۰	۵.۲
۲۹	تولید ماشین آلات و ...	۸۰۴	۷.۱	۷۶۵	۱۷.۸	۸۰۴	۴.۷
۳۰	تولید ماشین آلات اداری و حسابرگر و محاسباتی	۱۸	۲۷.۸	۱۸	۴۴.۴	۱۸	۲۲.۲
۳۱	تولید ماشین آلات مولد و انتقال برق و ...	۲۲۳	۱۳.۰	۲۱۹	۲۶.۰	۲۲۳	۹.۴
۳۲	تولید رادیو و تلویزیون و ...	۳۸	۱۳.۲	۳۷	۲۱.۶	۳۸	۵.۳
۳۳	تولید ابزار پزشکی و ابزار اپتیکی و ابزار دقیق و ...	۷۴	۶.۸	۷۳	۲۰.۵	۷۴	۵.۴
۳۴	تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم تریلر	۱۶۰	۲۱.۹	۱۵۵	۳۵.۵	۱۶۰	۲۰.۰
۳۵	تولید سایر وسایل حمل و نقل	۵۷	۱۰.۵	۵۷	۱۵.۸	۵۷	۸.۸
۳۶	تولید مبلمان و مصنوعات طبقه بندی نشده ...	۳۱۹	۵.۰	۲۹۳	۱۴.۳	۳۱۹	۲.۵
۳۷	بازیافت	۵	۰.۰	۵	۰.۰	۵	۰.۰
	جمع	۱۰۵۳۶	۶.۱	۱۰۰۵۱	۱۳.۸	۱۰۵۳۶	۳.۹

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد، محاسبه اشتغال ناخالص ایجادشده و از بین‌رفته و نقش اندازه بنگاه‌ها در آن، نیازمند داده‌هایی با ویژگی‌های خاص خود می‌باشد. این مطالعه به‌رغم محدودیت‌های پیش‌رو تا حدی توانسته‌است، داده‌هایی با ویژگی‌های مورد نیاز این موضوع را جمع‌آوری نماید. جدول ۵، اشتغال ناخالص ایجادشده به تفکیک اندازه بنگاه‌ها را نشان می‌دهد. گفتنی است که با وجود مشکلات داده‌های جمع‌آوری شده از مرکز آمار ایران و کنترل ورود بنگاه‌های جدید، از آنجایی که ایجاد اشتغال تنها از طریق رشد بنگاه‌های موجود (و نه ورود بنگاه‌های جدید) مورد تأکید این پژوهش است، محاسبه خالص اشتغال از دقت کافی برخوردار نبوده و بر این اساس در این مطالعه تنها به مقایسه اشتغال ناخالص ایجادشده در بنگاه‌های موجود در اندازه‌های مختلف بسنده شده‌است. نتایج به‌دست آمده از جدول ۵، مؤید نتایج مطالعات پیشین است و نشان می‌دهد که با افزایش اندازه بنگاه، اشتغال ایجادشده توسط بنگاه‌های با اندازه‌های مختلف کاهش می‌یابد. همان‌طور که اطلاعات این جدول نشان می‌دهد، طبقه اندازه ۱-۱۹ نفر کارکن بیشترین درصد بنگاه‌ها را به خود اختصاص داده و این طبقه از لحاظ اشتغال ایجادشده نیز بعد از طبقه بنگاه‌های با ۲۰-۴۹ نفر کارکن در جایگاه دوم قرار گرفته‌است. بنگاه‌های با ۲۰-۴۹ نفر کارکن حدود ۳۲ درصد و بیشترین سهم از اشتغال موجود را به خود اختصاص داده‌اند. به‌طور کلی، سه طبقه اول که در ادبیات این حوزه به عنوان بنگاه‌های کوچک و متوسط محسوب می‌شوند، بیش از ۷۵ درصد از اشتغال ایجادشده را پوشش داده‌اند. این در حالی است که افزایش اندازه بنگاه، سهم آنها را در ایجاد اشتغال کاهش می‌دهد.

جدول ۵- اشتغال ناخالص ایجاد شده در برنامه دوم توسعه به تفکیک اندازه بنگاه‌ها

اندازه بنگاه	بنگاه		اشتغال	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱-۱۹	۲۰۲۲	۵۱.۰۶	۱۷۶۵۷	۲۵.۳۹
۲۰-۴۹	۱۲۸۷	۳۲.۵۰	۲۲۲۵۳	۳۱.۹۹
۵۰-۹۹	۳۴۰	۸.۵۹	۱۲۵۱۱	۱۷.۹۹
۱۰۰-۱۴۹	۱۲۷	۳.۲۱	۵۷۲۲	۸.۲۳
۱۵۰-۱۹۹	۶۰	۱.۵۲	۳۶۳۶	۵.۲۳
۲۰۰-۲۹۹	۷۳	۱.۸۴	۴۵۳۷	۶.۵۲
۳۰۰-۳۹۹	۴۲	۱.۰۶	۲۹۲۳	۴.۲۰
بیش از ۴۰۰	۹	۰.۲۳	۳۱۵	۰.۴۵
جمع کل	۳۹۶۰	۱۰۰	۶۹۵۵۴	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

از آنجا که هدف اصلی این پژوهش، یافتن سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط با رشد سریع در ایجاد اشتغال است، همچنین با در نظر گرفتن معیار کمتر از ۵۰ نفر کارکن به عنوان تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط، جدول ۶ اشتغال ایجاد شده توسط این بنگاه‌ها را به تفکیک بنگاه‌های با رشد سریع و بنگاه‌هایی که چنین رشدی را تجربه ننموده‌اند، نشان می‌دهد (در این جدول تنها بنگاه‌هایی که در دوره مورد بررسی در فعالیت اقتصادی باقی مانده و اشتغال خود را افزایش داده‌اند، مشاهده می‌شود). همان‌طور که اطلاعات این جدول نشان می‌دهد در میان بنگاه‌هایی که اشتغال خود را افزایش داده‌اند، سهم بنگاه‌های با رشد سریع در ایجاد اشتغال به صورت بارزی از دیگر بنگاه‌ها متمایز است. سهم این بنگاه‌ها با تغییر معیار محاسبه رشد سریع تغییر یافته، اما با این وجود سهم آنها در اشتغال ایجاد شده با استفاده از هر سه مدل، نسبت به بنگاه‌هایی که چنین رشدی نداشته‌اند، بیش از ۵۰ درصد است. استفاده از معیار رشد نسبی سالانه ده درصد سهم این بنگاه‌ها را در ایجاد اشتغال به بیش از ۸۰ درصد افزایش داده و استفاده از معیار رشد مطلق سهم این بنگاه‌ها را نسبت به دو روش دیگر به کمترین مقدار کاهش داده است (۵۴/۵ درصد). با استفاده از معیار BI سهم بنگاه‌های با رشد سریع در ایجاد اشتغال ناخالص ۶۸/۶ درصد است. در مجموع، نتایج این بخش نشان می‌دهد که درصد اندکی از بنگاه‌های کوچک و متوسط با رشد سریع (۶/۱ درصد با معیار رشد مطلق، ۱۴ درصد با معیار رشد نسبی سالانه ده درصد و ۸/۲ درصد با معیار برچ) بیش از ۵۰ درصد از اشتغال در دوره را ایجاد نموده‌اند.

جدول ۶- سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط با رشد سریع در ایجاد اشتغال ناخالص در طول برنامه دوم

توسعه

مدل مورد استفاده	وضعیت رشد	تعداد بنگاه‌ها		اشتغال ایجاد شده	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
مدل رشد مطلق	عدم رشد سریع	۲۶۴۷	۸۰.۴	۱۸۰۵۰	۴۵.۵
	رشد سریع	۶۴۴	۱۹.۶	۲۱۶۱۴	۵۴.۵
	جمع کل	۳۲۹۱	۱۰۰.۰	۳۹۶۶۴	۱۰۰.۰
مدل رشد نسبی سالیانه ده درصد	عدم رشد سریع	۱۸۲۴	۵۶.۵	۷۶۰۶	۱۹.۶
	رشد سریع	۱۴۰۵	۴۳.۵	۳۱۲۳۸	۸۰.۴
	جمع کل	۳۲۲۹	۱۰۰.۰	۳۸۸۴۴	۱۰۰.۰
مدل رشد BI	عدم رشد سریع	۲۴۲۸	۷۳/۴	۱۲۵۲۲	۳۱.۴
	رشد سریع	۸۸۱	۲۶.۶	۲۷۳۸۸	۶۸.۶
	جمع کل	۳۳۰۹	۱۰۰.۰	۳۹۹۱۰	۱۰۰.۰

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

۶. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و سیاست‌های پیشنهادی

یافته‌های این پژوهش به‌رغم وجود مشکلات آماری و عدم امکان محاسبه اشتغال ناخالص از بین‌رفته و در نتیجه خالص اشتغال، تأییدی بر نتایج مطالعات پیشین در این حوزه در سطح جهان است. مانند مطالعات دیگر، نتایج این بررسی نیز نشان می‌دهد که با افزایش اندازه بنگاه، سهم آنها در ایجاد اشتغال کاهش یافته و همچنین بنگاه‌های کوچک و متوسط با رشد سریع نقشی اساسی را در ایجاد اشتغال در صنایع تولیدی ایران ایفا نموده‌اند. این بنگاه‌ها گرچه کمتر از ۱۰ درصد از تمام بنگاه‌های موجود را تشکیل داده‌اند، اما توانسته‌اند بین ۵۵ تا ۸۰ درصد اشتغال ناخالص را (با استفاده از معیارهای متفاوت رشد مطلق، رشد متوسط سالانه ده درصد و معیار برچ) ایجاد نمایند. براین اساس، ایجاد اشتغال چنانچه به عنوان سیاستی در بازار کار مد نظر قرار گیرد، بازشناسی بنگاه‌های با رشد سریع را که اصلی‌ترین تولیدکنندگان شغل محسوب می‌شوند، می‌توان اولین گام اساسی در این راستا قلمداد نمود. این موضوع در راستای حمایت‌های دولت و تأکید بر بازشناسی عوامل مؤثر بر رشد و در نتیجه ایجاد زمینه‌های لازم به‌منظور ظهور رشد سریع برای آن دسته از بنگاه‌هایی که دارای زمینه چنین رشدی هستند نیز، موضوعیتی اساسی خواهد داشت. همان‌طور که در مقدمه نیز اشاره کردیم، به روز نمودن این مطالعه می‌تواند به عنوان پژوهشی ارزشمند تلقی شده و از این رو انجام آن در برنامه سوم توسعه به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود. افزون بر این، اگرچه تأکید این پژوهش بر بنگاه‌های با رشد سریع (از نظر شاغلان) و سهم آنان در ایجاد اشتغال بوده است، اما علاقه‌مندان می‌توانند دو موضوع بنگاه‌های با رشد سریع (از نظر شاغلان) و سهم آنان در ایجاد ارزش افزوده و نیز، بنگاه‌های با رشد سریع (از نظر ارزش افزوده) و سهم آنان در ایجاد ارزش افزوده را به صورت دو موضوع اساسی مورد بررسی قرار دهند.

منابع

- ریاست جمهوری. (۱۳۸۴). آئین نامه اجرایی گسترش بنگاه‌های کوچک اقتصادی زودبازده و کارآفرین. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. (۱۳۸۴). سند ملی ویژه (فرابخشی) توسعه اشتغال و کاهش بیکاری، مصوب ستاد برنامه، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- سالنامه‌های آماری کشور. مرکز آمار ایران.
- سیاست‌های موفق توسعه صنایع کوچک (در ۲۰ کشور صنعتی صنعتی و در حال توسعه). (۱۳۸۰). انتشارات سازمان صنایع کوچک.
- فیض‌پور، محمد علی. (۱۳۸۶). بخش تعاون و رشد سریع بنگاه های کوچک و متوسط. معاونت آموزش، تحقیقات و ترویج وزارت تعاون، وزارت تعاون، تهران.
- متانی، محمد علی. (۱۳۸۶). مجموعه قوانین برنامه اول، دوم، سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات جنگل.
- انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مجموعه گزارش‌های عملکرد اقتصادی و نظارت بر عملکرد برنامه اول، دوم و سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۷۹). طرح آمارگیری از کارگاه های صنعتی کشور - ۱۳۷۸. نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر، تهران.

- Almus, M. (2000). What Characterizes a Fast Growing Firms, ZWE.
- Baldwin, J. and G. Picot. (1994). Employment Generation by Small producers in the Canadian Manufacturing Sector. *Small Business Economics*, 7, 317-331.
- Bilsen, v. and J. Konings. (1998). Job Creation, Job Destruction and Growth of Newly Established, Privatized and State Owned Enterprises in Transition Economies: Survey Evidence from Bulgaria, Hungary and Romania. *Journal of Comparative Economics*, 26, 429-445.
- Birch, D. (1979). *The Job Generation Process*. Cambridge.
- Birch, D. (1981). Who Creates Jobs? *The Public Interes*, 65, 3-14.
- Bridge, S., K. O'Neill and S. Crom (1998). *Understanding Enterprise, Entrepreneurship, & Small Business*. London, Macmillan.
- Broersma, L. and P. Gautier. (1997). Job Creation and Job Destruction by Small Firms: An Emprical Investigation for the Dutch Manufacturing Sector. *Small Business Economics*, 9, 211-224.
- Feizpour, M. Ali (2003). *Manufacturing Industrial Change and the Role of Small and Medium-sized Enterprises in Iran.*, Business School, Department of Economics, University of Newcastle upon Tyne.
- Gibrat, R. (1931). *Les Inegalites Economiques*. Paris, Sirey.

-
- Haltiwanger, J. C. and S. Schuh (1999). Gross Job Flows between Plants and Industries. *New England Economic Review* March/April: 41-64.
- Hart, P. (1962). The Size and Growth of Firms. *Economica* 29: 29-39.
- Hart, P. E. (2000). Theories of Firms' Growth and the Generation of Jobs. *Review of Industrial Organisation* 17: 229-48.
- Hart, M. and E. Hanvey. (1995). Job Generation and New and Small Firms: Some Evidence from the Late 1980s. *Small Business Economic* , 7, 97-109.
- Hart, P. and N. Oulton (1996). Growth and Size of Firms. *Economic Journal* 106: 1242-52.
- Koning, J. (1995). Job Creation and Job Destruction in The UK Manufacturing Sector. *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, 57(1), 5-24.
- Laursen, K., V. Mahnke, et al. (1999). Firm Growth from a Knowledge Structure Perspective. *Danish Research Unit for Industrial Dynamics*.
- North, D. and D. Smallbone. (1995). The Employment Generation Potential of Mature SMEs in Different Geographical Environments. *Urban Studies*, 32(9), 1517-1534.
- OECD. (2002). High-Growth SMEs and Employment. Paris, Organization for Economic Co-Operation and Development.
- Roper, S. (2001). Job Creation and Destruction in Northern Ireland: 1973-93. Belfast, Northern Ireland Economic Research Centre, Queen's University of Belfast.
- Steven, J. and J. Haltiwanger (1992). Gross Job Creation, Gross Job Destruction and Employment Reallocation. *The Quarterly Review of Economics* August: 819-863.
- Storey, D. J. (1994). *Understanding the Small Business Sector*. London, International Thomson Business Press.
- Storey, D. J. (1998). *The Ten Percenters*, SME Center, University of Warwick.
- Voulgaris, F., T. Papadogonas, et al. (2005). Job Creation and Job Destruction in Greek Manufacturing. *Review of Development Economics*, 9(2), 289-301.
- Wagner, J. (1995). Firm Size and Job Creation in Germany. *Small Business Economics*, 7(6), 469-474.
- Wiklund, J. (1998). *Small Firms Growth and Performance Entrepreneurship and Beyond*. Jonkoping International Business School. Jonkoping.